



موسیقی بیرونی غزل های سنایی غزنوی

محمد امیر مهدی

دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

ملیحه فلاح لاله زاری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسؤول)

تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۲

چکیده

ادبیات وسعتی بی کرانه دارد و یک مفهوم ادبی در قالب نثر یا نظم و یا مخلوطی از هر دو ارائه می‌شود. آنچه نظم را از نثر متمایز می‌کند علاوه بر عاطفه و خیال موسیقی خاصی است که نظم داراست و این به معنی انکار وجود موسیقی در نثر نمی‌باشد، اما غنای موسیقایی در نظم بسیار بیشتر از نثر است. موسیقی انواعی دارد؛ از انواع موسیقی شعر، موسیقی بیرونی است که مربوط به وزن شعری باشد و یکی از شاعران توانا و نامی در ادبیات فارسی؛ سنایی غزنوی؛ در بکار بردن این موسیقی با هنرمندی تمام ظاهر شده است. هرچند

در بین غزل های او درصد بسیار کمی ایراد وزنی دارد و این ناشی از اهمیت داشتن معنی بر قالب و ظاهر شعر در نزد این شاعر توانا است. در این مجال سعی بر این است که موسیقی بیرونی غزل های سنایی غزنوی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

کلید واژه ها: سنایی غزنوی ، غزل ، موسیقی بیرونی.

مقدمه

دکتر شفیعی کدکنی برای سنایی غزنوی سه شخصیت قائل شده است و سه ساحت وجودی سنایی را چنین معرفی می کند .

۱- سنایی مداح و هجا گوی (قطب تاریک وجود او)

۲- سنایی واعظ و ناقد اجتماعی (مدار خاکستری وجود او)

۳- سنایی قلندر و عاشق (قطب روشن وجود او) . (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۵)

و در ادامه چنین می آورد:

اقلیم روشنائی جان سنایی در مرزهای غزل آغاز می شود و نوعی «غزل وار» در این گونه شعرا و سر آغاز است و حتی نقطه ی کمال و اوج با اطمینان می توان گفت که غزل های قلندری و مغانه ی او در رده ی بالای این نوع شعر در تاریخ شعر فارسی قرار دارد؛ حتی به لحاظ بعضی ویژگیهای صوری و بلند پروازیهایی خیال در حدی است که بزرگان بعد از او بهتر از او و بلندتر از او پرواز نمی کنند.

این گونه غزل ها که ما در تمام غزلیات دیوان شمس و بسیاری از غزل های بلند و پرشکوه شعر فارسی است با سنایی وارد شعر فارسی می شود همان چیزی است که پس از مختصر تغییراتی در اجزای سخن غزلهای آسمانی حافظ را نیز شکل می دهد. (همان: ۳۰)

در تعریف موسیقی بیرونی شفیعی کدکنی چنین آورده است:

موسیقی بیرونی شعر: منظوران موسیقی بیرونی شعر، جانب عروضی وزن شعراست که بر همه ی شعرهایی که در یک وزن سروده شده اند ، قابل تطبیق است .

با توجه به اینکه بحث ما پیرامون موسیقی بیرونی می باشد پس بیشتر به این عنوان پرداخته می شود.

موسیقی بیرونی که همان وزن عروضی است، بر اساس کشش هجاها و تکیه ها ... وزن،

موسیقی بیرونی شعر را ایجاد می کند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۵۱)

شمس قیس رازی در تعریف عروض که اساس موسیقی بیرونی است، چنین می گوید: «بدانک عروض میزان کلام منظومست همچنانک نحو میزان کلام منثورست و آنرا از بهر آن عروض خواندند که معروض علیه شعر است یعنی شعر را بر آن عرض کنند تا موزون (آن) از ناموزن بدید آید و مستقیم از نامستقیم ممتاز گردد و آن فعولی است به معنی مفعول.» (شمس قیس رازی، ۱۳۶۰: ۲۶)

شفیعی کدکنی اوزان شعر را به دو دسته ی خیزایی و جویباری تقسیم می کند «اوزان خیزایی: وزنهای تند و متحرکی هستند که اغلب، نظام ایقاعی افاعیل عروضی در آنها، به گونه ای است که در مقاطع خاصی نوعی نیاز به تکرار را در ذهن شنونده ایجاد می کند و غالباً از رکن های سالم و یا سالم و مزاحفی تشکیل شده که حالت «ترجیح» و «دور» در آنها محسوس است ...

۲- اوزان جویباری: از ترکیب نظام ایقاعی خاصی حاصل می شود که با همه زلالی و زیبایی و مطبوع بودن، شوق به تکرار در ساختمان آنها احساس نمی شود و ساختار عروضی افاعیل نیز در آنها به گونه ای است که رکن های عروضی در آن عیناً تکرار نمی شوند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۹۳)

در این مقاله موسیقی بیرونی غزل های سنایی که تعداد آنها ۴۰۷ غزل است، مورد بررسی قرار می گیرد، البته در دیوان سنایی به تصحیح مدرس رضوی تعداد غزل ها ۴۰۸ غزل عنوان شده، حال آنکه یک مسمط سه تایی نیز جزء غزلیات محسوب شده است، بنابراین تعداد آنها ۴۰۷ غزل می باشد.

موسیقی بیرونی در غزل های سنایی

در غزل های سنایی غزنوی که تعداد آنها ۴۵۷ غزل است، طبق عروض علمی جدید ۲۲ وزن و ۹ بحر استفاده شده است. از بین این بحر ها، بحر رمل با ۱۵۲ مورد ۳۷/۳۴٪ از غزلیات را در بر می گیرد که بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است و پس از آن بحر هزج با اندک اختلافی با فراوانی ۱۵۱ غزل ۳۷/۱٪ از کل غزل ها را مختص خود کرده است. از طرف دیگر بحر متقارب با ۴ مورد ۰/۷۳٪ غزل ها را پر کرده است که کمترین کاربرد را در غزل های سنایی دارد.

در میان وزن ها سنایی از بحر رمل وزن رمل مثنی محذوف (مقصود) را با بیشترین فراوانی به کار برده است در قالب «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» که با فراوانی ۱۰۵ مورد ۲۵/۷۳٪ غزل ها را شامل می شود و پس از آن وزن «مفعول مفاعیلن فعولن» (مفاعیل) با ۵۱ مورد ۱۲/۵۳٪ و وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» (مفاعیل) با ۴۶ مورد ۱۱/۳٪ از غزل ها را به خود اختصاص داده اند.

با توجه به آنچه قبلاً در زمینه اوزان خیزابی و جویباری گفته شد می توان چنین گفت که سنایی بیشتر از اوزان جویباری در شعر خود بهره جسته است که دارای هجاهای بلند و ریتمی نرم و سنگین است و کمتر از اوزان خیزابی، دوری و نیز اوزانی که دارای هجاهای کوتاه فراوان هستند استفاده کرده است و این استفاده ی او از اوزان ملایم به دلیل آن است که متناسب با مضامینی است که او آنها را در شعر و غزل خود وارد کرده است؛ به هر حال او شاعری است که برای اولین بار عرفان را وارد غزل می کند و رنگی نو به غزل می بخشد و آوردن این مضامین نظیر عرفان، سیر و سلوک، ترک تعلقات دنیوی و امثال آن نیازمند وزنی ملایم و نرم می باشد. اینها مضامینی هستند که شاعر برای آنها عرصه ای وسیع می خواهد استفاده از اوزانی با هجاهای بلند و طولانی این فرصت را به او می دهد تا با فکری بازتر و آزادی بیشتر به بیان افکار عارفانه ی خود بپردازد در حالیکه اوزان خیزابی و هجاهای کوتاه مکرر این امکان را از او می گیرد که همراه با تأمل و تأنی به بیان اندیشه هایش بپردازد؛ اوزان خیزابی بیشتر برای سرودن منظومه های بزمی، حماسی و امثال آن سودمند می باشد.

اوزان بلند - کوتاه - متوسط

با دقت و بررسی در غزل های سنایی غزنوی می توان به این نتیجه دست یافت که سنایی از بین اوزان بلند، کوتاه و متوسط، از اوزان کوتاه بیشتر آورده است اوزان کوتاه با ۱۴۹ مورد ۳۶/۶٪ از کل غزل ها را شامل می شوند. اوزان بلند با ۱۳۸ مورد و اختصاص دادن ۳۳/۹٪ کل غزل ها به خود، در ردیف دوم قرار می گیرد و اوزان متوسط ۱۲۰ مورد از غزل ها که معادل ۲۹/۴۸٪ کل غزل ها می شود، مخصوص خود کرده اند، وزن دوری در این میان با ۲۹ مورد از ۴۰۷ ۷/۱۲٪ غزل ها را پر کرده است.

اوزان بلند

بنا به تعریف سیروس شمیسا «اوزانی را گویند که هجاهای آن زیاد است و نیز نسبت هجاهای بلند به کوتاه بیشتر است.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۳۰)

تا بدیدم بتکده بی بت دلم آتشکده است فرقت نامهربانی آتشم در جان زده است
(غزل ۳۶ ص ۸۱۲)

الا ای لعبت ساقی ز می پر کن مرا جامی که پیدا نیست کارم را در این گیتی سرانجامی
(غزل ۳۹۳ ص ۱۰۳۴)

اوزان متوسط خفیف

«به اوزانی گویند که هجاهای آن نه کم است و نه زیاد، اما هجاهای کوتاه نسبت به بلند بیشتر است.»

(شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۳۰)

سکوت معنویان را بیا و کار بساز لباس مدعیان را بسوز و دور انداز
(غزل ۱۷۲ ص ۸۹۹)

صنما تا بزیم بندهی دیدار توام به تن و جان و دل و دیده خریدار توام
(غزل ۲۱۲ ص ۹۲۲)

اوزان متوسط ثقیل

«به اوزانی گویند که شماره هجاهای آن نه کم و نه زیاد، اما شماره ی هجاهای بلند نسبت به کوتاه بیشتر است.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۲۹)

ای جان جهان کبر تو هر روز فزونست لیکن چه توان کرد که وقت تو کنونست
(غزل ۴۶ ص ۸۱۸)

ای کم شده وفای تو این نیز بگذر و افزون شده جفای تو این نیز بگذرد
(غزل ۹۳ ص ۷۴۷)

ای مهر تو بر سینه ی من مهر نهاده ای عشق تو از دیده ی من آب گشاده
(غزل ۳۵۲ ص ۱۰۰۹)

اوزان کوتاه

«به اوزانی گویند که شماره ی هجاهای آن اندک است.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۲۹)

هر که در خطّه ی مسلمانی است متلاشی چو نفس حیوانی است
(غزل ۵۷ ص ۸۲۵)

تو را باری چو من گریار باید از این به مر مرا تیمار باید
(غزل ۱۳۴ ص ۸۷۶)
ای خواب ز چشم من برون شو ای مهر در این دلم فزون شو
(غزل ۳۴۵ ص ۱۰۰۵)

بررسی بحرهای به کار رفته در غزل های سنایی غزنوی

با بررسی بحرهای غزل های سنایی این نتیجه به دست می آید که او از بحر رمل بیش ترین بهره را گرفته است و این بحر بیش ترین سهم را در غزل ها به خود اختصاص داده است.

۱- بحر رمل

«و رمل را از بهر آن رمل خوانند کی گویی ارکان آن در هم بافته است ... و رمل حصیر بافتن است.» (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۷۱)

در معیار/الاشعار چنین آمده «و این بحر هم به تازی و هم به پارسی مستعمل است و اصلش به تازی در دایره ای از "فاعلاتن" شش بار باشد.» (خواجه نصیر، ۱۳۷۰: ۲۳۱)

این بحر جزء اوزان جویباری محسوب می شود و تعداد هجاهای بلند آن نسبت به هجاهای کوتاه بیشتر است و این همان طور که قبلاً هم اشاره شد به خاطر مضامین عنوان شده در قالب این اوزان است که وزن متناسب با خود را می طلبد. این وزن که از تکرار رکن «فاعلاتن» حاصل می گردد، از ۴۵۷ غزل سنایی ۱۵۲ غزل و ۳۷/۳۴٪ غزل ها ما را به خود اختصاص داده است و از میان اوزان گوناگون مربوط به بحر رمل، بحر رمل مثنی محذوف (مقصور) بیش ترین فراوانی را دارد.

۱-۱- بحر رمل مثنی محذوف (مقصور): فاعلاتن فاعلاتن فاعلان (فاعلان)

در این وزن ۱۰۵ غزل سروده شده است که برابر است با ۲۵/۷۹٪ غزل سنایی.
حذف: افکندن یک هجای بلند از آخر رکن هایی است که دو و یا سه هجای بلند پیاپی در آخر دارند.» (ماهیار، ۱۳۸۲: ۴۰)

بدین ترتیب محذوف فاعلاتن، فاعلان می شود.
«قصر: عبارت است از حذف هجای بلند از آخر رکن هایی که دو و یا سه هجای بلند پیاپی در آخر دارند و تبدیل هجای بلند پیش از آن به هجای کشیده.» (ماهیار، ۱۳۸۲: ۴۲)

با این تعریف مقصور فاعلاتن ، فاعلان می شود.

۱- رمل مَثْمَن محذوف (مقصور)

باز بر عاشق فروش آن سوسن آزاد را باز برخوردارشید پوش آن جوشن شمشاد را
(غزل ۴ ص ۷۹۱)
روی او ماه است اگر بر ماه مشک افشان بود قَدْ او سرو است اگر بر سرو لالستان بود
(غزل ۱۲۶ ص ۸۶۸)

۱-۲- بحر رمل مسدّس محذوف (مقصور): فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان)

در این وزن ۳۲ غزل سروده شده است و ۷/۸۶٪ کلّ غزل ها را از آن خود کرده است.
ای همه خوبی در آغوش شما قبله ی جانها بر و دوش شما
(غزل ۱۶ ص ۸۰۰)
زینهاراین یادگارازدست رفت درغم توروزگارازدست رفت
(غزل ۷۲ ص ۸۳۴)

۱-۳- بحر رمل مَثْمَن مخبون محذوف (مقصور ، اصلم ، اصلم مسبغ) فاعلاتن فاعلاتن

فعلن (فعلان ، فع لن ، فع لان)

تعداد این بحر در میان غزل های سنایی ۱۳ غزل و معادل ۳/۱۹٪ کلّ غزل ها است.
«خبین : در اصطلاح عروض تبدیل هجای بلند اول ارکان به هجای کوتاه است.»
(ماهیار، ۱۳۸۲ : ۵۲)

«صلم عبارت است از حذف دو هجای بلند آخر فاعلاتن و تبدیل هجای کوتاه به هجای بلند حاصل را اصلم می خوانند و با «فع لن» نشان می دهند.» (همان: ۵۲)
«اسباغ : افزودن یک حرف ساکن به آخر صلم و یا تبدیل هجای بلند دوم به هجای کشیده دو رکن فرعی اصلم را به اصلم مسبغ تبدیل می کند و برخی عروضیان میان آن دو تفاوتی قائل نمی شوند.» (همان: ۱۳۰)

نور تا کیست که آن پرده ی روی تو بود مشک خود کیست که آن بنده ی موی تو بود
(غزل ۱۲۸ ص ۸۷۰)

دوش تا روزمن از عشق تو بودم بخروش تو چه دانی که چه بود از غم تو بر من دوش
(غزل ۱۹۱ ص ۹۱۱)

۴-۱- رمل مسدّس مخبون محذوف (مقصور ، اصلم): فاعلاتن فعلاتن فعلن (فعلان، فع لن)

در این وزن ۲ غزل سروده شده است و معادل ۰/۴۹ غزل هاست .
 ای بت سنگدل سیم تنگ دلبر خوشک شیرین سخنگ
 (غزل ۲۰۴ ص ۹۱۸)
 اسب را باز کشیدی در زمین راه را کردی بر خانه گزین
 (غزل ۳۲۴ ص ۹۹۲)

۲- بحر هزج

«و بحر هزج را از بهر آن هزج نام کردند کی اغلب نشیدات و آغانی عرب برین بحرست ... و هزج گردانیدن آوازست در غنا و حدا.» (شمس قیس ، ۱۳۶۰ : ۷۱) «وزن اصلی هزج معمولاً از تکرار چهار بار «مفاعیلن» حاصل می شود.» (ماهیار ، ۱۳۸۲ : ۸۸)
 وزن هزج از اوزان جویباری است و تعداد هجاهای بلند آن نسبت به هجاهای کوتاه بیشتر است ، وزنی نرم و ملایم می باشد و از میان ۴۰۷ غزل سنایی تعداد ۱۵۱ غزل معدل ۳۷/۱٪ کل غزل ها از آن این بحر است . در غزل سنایی وزن هزج مسدّس اُخرَب مقبوض محذوف (مقصور) بیشترین فراوانی را در میان اوزان بحر هزج دارد.

۲-۱- هزج مسدّس اُخرَب مقبوض (مقصور) : مفعولُ مفاعِلن فعولن (فعولان)

تعداد غزل های سروده شده در این بحر ۵۱ غزل است که معادل ۱۲/۵۳٪ کلّ غزل ها را شامل می شود.

خرب: «انداختن میم و نون " مفاعیلن " است که " فاعیل " از آن باقی می ماند آن را با مفعول نشان می دهند و اُخرَب می نامند. انداختن دو حرف از دو طرف " مفاعیلن " را به خرابی دو طرف رکن تعبیر کرده اند و آن را خرب یا خربت گفته اند» (ماهیار ، ۱۳۸۲ : ۱۳۲)
 «قبض : اسقاط حرف پنجم رکن است به شرطی که ساکن سبب باشد ؛ مثلاً اگر از مفاعیلن " یا " را حذف کنیم " مفاعِلن " باقی می ماند مفاعِلن را مقبوض از مفاعیلن می نامیم.» (همان)

«اسقاط حرف پنجم ساکن است» (نجفقلی میرزا ، ۱۳۶۲ : ۱۴)

احسنت وزه ای نگار زیبا کاراسته آمدی بر ما
 (غزل ۱ ص ۷۹۱)
 ای پر در گوش من ز چنگت وی پر گل چشم من ز رنگت
 (غزل ۴۱ ص ۸۱۵)

۲-۲- هزج مثنیٰ اُخرَبْ مکفوف محذوف (مقصور): مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن (مفاعیل)

در این بحر ۴۶ غزل سروده شده است که معادل ۱۱/۳٪ غزل ها را شامل می شود.
 کفّ: «انداختن حرف هفتم باشد از جزوی کی رکن آخر آن سببی [خفیف] باشد و چون از مفاعیلن نون بیندازی مفاعیل بماند ... آنرا مکفوف خوانند». (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۵۱) «چنانکه مفاعیلن به مفاعیل مبدل شود.» (خانلری، ۱۳۵۴: ۲۶۰)

ما باز دگر باره برستیم زغمها دربادیه ی عشق نهادیم قدمها
 (غزل ۱۹ ص ۸۰۱)
 ما قدّ ترا بنده تراز سرو و آنیم ما خدّ ترا سغبه تراز عقل و روانی
 (غزل ۲۷۰ ص ۹۵۶)

۲-۳- هزج مثنیٰ سالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

در این بحر ۲۴ غزل سروده شده است که ۵/۸۹٪ غزل های سنایی را شامل می شود.
 از آن می خوردن عشقست دایم کار من هر شب که بی من درخراباتست دایم یارمن هرشب
 (غزل ۲۱ ص ۸۰۲)
 نگارینا دلم بردی خدایم بر تو داور باد به دست هجر بسپردی خدایم بر تو داور باد
 (غزل ۷۶ ص ۸۳۷)

۲-۴- هزج مثنیٰ اُخرَبْ: مفعولُ مفاعیلن || مفعولُ مفاعیلن

تعداد غزل ها در این وزن به ۱۰ غزل می رسد و معادل ۲/۴۵٪ غزل های دیوان سنایی است.

معشوقه بسامان شد تا باد چنین باد کفرش همه ایمان شد تا باد چنین باد
 (غزل ۷۷ ص ۸۳۸)
 الا ای نقش کشمیری الا ای خورخرگاهی بدل سنگی بیرسیمی بقدر سروی برخ ماهی
 (غزل ۴۰۱ ص ۱۰۴۰)

۲-۵- هزج مسدّس محذوف (مقصور): مفاعیلن مفاعیلن فعولن (فعولان)

این بحر با فراوانی ۱۵ مورد، ۳/۶۸٪ غزل های سنایی را شامل می شود.
 ز جزع و لعلت ای سیمین بنا گوش دلم پر نیش گشت و طبع پر نوش
 (غزل ۱۹۲ ص ۹۱۱)

۲-۶ هزج مثنیٰ اُخرَب: مفعولٌ مفاعیلن || مفعولٌ مفاعیلن

تعداد غزل ها در این وزن به ۱۰ غزل می رسد و معادل ۲/۴۵٪ غزل های دیوان سنایی است.

معشوقه بسامان شد تا باد چنین باد کفرش همه ایمان شد تا باد چنین باد
 (غزل ۷۷ ص ۸۳۸)
 از دوست بهر جوری بیزار نباید شد از یار بهر زخمی افکار نباید شد
 (غزل ۱۱۰ ص ۸۵۸)

۲-۷- هزج مسدّس اُخرَب مقبوض صحیح عروض و ضرب: مفعولٌ مفاعیلن مفاعیلن .

تعداد این وزن در بین غزل های سنایی ۵ مورد است که ۱/۲۲٪ غزل ها را مختصّ به خود کرده است.

آن کس که ز عاشقی خبر دارد دایم سرنیش بر جگر دارد
 (غزل ۸۶ ص ۸۴۳)

۳- بحر خفیف

«و خفیف را از بهر خفیف خوانند کی حرکات اوتاد مفروقه ی آن متصل است [حرکات] اسباب خفیفه از طرفین، یعنی از دو جانب تفع دوسبب خفیف است ... بعضی گفته اند این بحرسبک ترین بحور شعراست.» (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۷۳)

«بحر خفیف از اصل "فاعلا تن متفعلا فاعلا تن" به صورت مزاحف مخبون "فاعلا تن مفاعلا فاعلا تن" ساخته می شود.» (ماهیار، ۱۳۸۲: ۷۶)

این وزن از اوزان جویباری است و تعداد هجاهای بلند آن به نسبت بیشتر از هجاهای کوتاه آن است وزنی کوتاه است و سومین وزن پر کاربرد در غزل های سنایی غزنوی می باشد. این وزن با تعداد ۳۶ غزل ۸/۸۴٪ غزل های سنایی را پر کرده است از میان اوزان گوناگون بحر خفیف، بحر خفیف مسدّس مخبون محذوف (مقصور، اصلم، اصلم، مسبغ) بیشترین فراوانی را دارد.

۳-۱- خفیف مسدّس مخبون مخدوف (مقصور، اصلم، اصلم، مسیغ): فاعلاتن مفاعیلن فعّیلن (فعالن، فع لن، فع لان)

تعداد غزل های سروده شده در این غزل ۳۵ غزل است و ۸/۵۹٪ غزل ها را شامل می شود.

مشتی بر فلک نظاره تست زهره در حسن پیشکاره ی تست
(غزل ۳۳ ص ۸۰۹)
خه خه ایجان علیک عین الله ای گلستان علیک عین الله
(غزل ۳۴۶ ص ۱۰۰۵)

۳-۲- خفیف مسدّس مخبون: فاعلاتن مفاعیلن فعّلاتن

در این وزن یک غزل بیشتر سروده نشده است و ۰/۲۵٪ کل غزل ها را به خود اختصاص داده است.

مرحبا مرحبا برای هلالا آسمان را نمای کلّ کمالا
(غزل ۱۵ ص ۷۹۹)

۴- بحر مضارع

«و مضارع را از بهر آن مضارع خواننده کی در تربیع و تقدیم اوتاد بهزج مانند است و مضارعت مشابهت و مقابلهت است» (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۷۴) «بحر مضارع از اصل مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن ساخته می شود» (ماهیار، ۱۳۸۲: ۸۲)
این بحر از اوزان جویباری محسوب می شود و با اختصاص دادن تعداد ۲۴ غزل و ۵/۸۹٪ کل غزل ها به خود در ردیف چهارم فراوانی قرار می گیرد از میان دو وزن به کار رفته در بحر مضارع، بحر مضارع مَثَمَن اُخْرَب مَکْفُوف مَحْدُوف (مقصور) بیشترین فراوانی را دارد.

۴-۱- مضارع مَثَمَن اُخْرَب مَکْفُوف مَحْدُوف (مقصور): مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (فاعلان)

۱۶ غزل در این قالب وزنی سروده شده است و ۳/۹۳٪ غزل سنایی را در بر می گیرد.
در مهر ماه زهدم و دینم خراب شد ایمان و کفر من همه رود و شراب شد
(غزل ۱۰۹ ص ۸۵۷)
ما را میفکنید که ما خود فتاده ایم در کار عشق تن ببلا در نهاده ایم
(غزل ۲۵۵ ص ۹۴۷)

۴-۲- مضارع مَثْمَن اُخرب: مفعولُ فاعلاتن || مفعولُ فاعلاتن

این وزن که جزء اوزان دوری نیز محسوب می شود ، تعداد ۸ غزل و ۱/۹۶٪ کل غزل ها را از آن خود کرده است . که درصدی کم است.

ای یار بی تکلف ما را نبید باید این قفل رنج ما را امشب کلید باید

(غزل ۱۳۳ ص ۸۷۴)

آن حور روح وش را بر عقل عرضه کردم وان شربها که دادی بر یاد تو بخوردم

(غزل ۲۱۷ ص ۹۲۵)

۵- بحر منسرح:

«و هم بدین سبب آنرا منسرح خوانند کی از راه تقدّم اسباب سبک و آسان در لفظ در آید و سراح در لغت عربی آسان و روانی باشد ... و بعضی گفته اند این بحر را از بهر آن منسرح خوانند که در نقصان اجزا به حدّی می رسد که گویی از صورت شعر بیرون می رود ... و منسرح کسی را گویند کی از لباس خویش بیرون آید» (شمس قیس ، ۱۳۶۰ : ۷۲)

«بحر منسرح از اصل مستفعلن مفعولاتُ مستفعلن مفعولاتُ ساخته می شود.» (ماهیار ،

۱۳۸۲ : ۱۱۲)

این بحر از اوزان خیزابی است و ارکان آن حالت جهشی دارد و عاری از ملایم بودن و سنگین بودن اوزان جویباری است. این بحر با تعداد ۱۴ غزل ۳/۴۳٪ غزل ها را مخصوص به خود کرده است .

از میان دو بحر سروده شده در این قالب ، بحر منسرح مَثْمَن مطوی مکشوف (موقوف) فراوانی بیشتری دارد.

۵-۱- منسرح مَثْمَن مطوی مکشوف (موقوف): مفتعلن فاعلن [فاعلان] || مفتعلن فاعلن [فاعلان]

طی: «در مفعولات مفعلات باشند، فاعلات چون از مفعولات خیزد آنرا مطوی خوانند.» (شمس قیس ، ۱۳۶۰ : ۵۸)

کشف: «اسقاط تاء مفعولات باشد . مفعولن بجای آن بنهند و مفعولن چون از مفعولات منشعب باشد آنرا مکشوف خوانند و کشف برهنه کردن اندام باشد.» (همان)

وقف: «اسکان تاء مفعولات باشد . مفعولان به جای آن بنهند و آنرا موقوف

خوانند.»(همان)

تعداد غزل سروده شده در این بحر ۱۱ غزل و معادل ۲/۷٪ غزل هاست.
جمع خراباتیان سوز نفس کم کنید باده نهانی خورید بانگ جرس کم کنید
(غزل ۱۴۱ ص ۸۷۹)

۵-۲- منسرح مَثْمَن مطوی منحور (مجدوع): مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع (فاع)
نحر: «اجماع جدع و کشف است در مفعولات " لا " بماند " فع " به جای آن بنهند و فع چون از مفعولات خیزد آنرا منحور خوانند یعنی کلو بریده و از بهر آنک بدین زحاف از این جزو کوئی رمقی بیش نمی ماند آنرا نحر خواندند.»(شمس قیس ، ۱۳۶۰ : ۵۹)
جدع: «اسقاط هر دو سبب مفعولات است و ساکن گردانیدن تاء لات [بماند] بس فاع بسکون عین بجای آن بنهند و فاع چون از مفعولات خیزد آنرا مجدوع خوانند: یعنی بینی بریده و این اسم این زحاف را لایق نیفتاده است.»(شمس قیس ، ۱۳۶۰ : ۵۹)
تعداد غزل های سروده شده در این بحر ۳۰ غزل است و معادل ۰/۷۳٪ غزل سنایی است.

صحبت معشوق انتظار نیرزد بوی گل و لاله ز خم خار نیرزد
(غزل ۱۰۰ ص ۸۵۱)
دوش مرا عشق تو از جامه برانگیخت بی عدد از دیدگانم اشک فرو ریخت
(غزل ۲۳ ص ۸۰۴)

۶- بحر رجز

«و رجز را از بهر آن رجز خواندند که عرب غالباً این بحر را در حالات حفیظت حروب و شرح مفاخر اسلاف و صفت رجولیت خویش و قوم خویش گویند ... و رجز در اصل لغت اضطراب و سرعت است.»(شمس قیس ، ۱۳۶۰ : ۷۱)
«بحر رجز از تکرار چهار و یا سه بار مستفعلن حاصل می شود.»(ماهیار ، ۱۳۸۲ : ۱۰۱)
این وزن از اوزان خیزابی است و با تعداد ۱۰ غزل و فراوانی ۲/۴۵٪ غزل ها جزء اوزان کم کاربرد در میان غزل های سنایی است و فقط در یک قالب ، یعنی رجز مَثْمَن سالم آمده است.

۶-۱- رجز مَثَمَن سالم: مستفعلن مستفعلن مستفعلن

ای لعبت صافی صفات ای خوشتر از آب حیات هستی در این آخر زمان این منکران را معجزات
(غزل ۲۲ ص ۸۰۳)
ای کوکب عالی درج وصلت حرامست و حرج ای رکن طاعت همچو حج الصبر مفتاح الفرج
(غزل ۷۵ ص ۸۳۶)

۷- بحر مجتث

«و مجتث را از [بهر] آن مجتث خوانند کی از جزو دوم خفیف مفکوف است و اجتثات از بیخ بر کندن است و نهال خرما را کی از جای بر آرند و بجای دیگر بنشانند جثیث خوانند.» (شمس قیس ، ۱۳۶۰ : ۷۴)

«بحر مجتث از تکرار مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن به دست می آید.» (ماهیار ،

۱۳۸۲ : ۶۷)

این وزن از اوزان خیزایی است و با تعداد ۹ غزل ۲/۲۱٪ سنایی را دارد.

۷-۱- مجتث مَثَمَن مخبون محذوف (مقصور ، اصلم ، اصلم مستیغ): مفاعِلن فَعَلاتِن

مفاعِلن فَعَلن (فَعَلان ، فَع لِن ، فَع لان)

این بحر با تعداد ۸ غزل ۱/۹۶٪ غزل سنایی را دارد.

مرا لبان تو باید شکر چه سود کند بجای مهر تو مهر دگر چه سود کند
(غزل ۱۱۶ ص ۸۶۱)
وصال حالت اگر عاشقی حلال کند فراق عشق همه حالها زوال کند
(غزل ۱۱۹ ص ۸۶۴)

۷-۲- مجتث مَثَمَن مخبون : مفاعِلن فَعَلاتِن || مفاعِلن فَعَلاتِن

این بحر با فراوانی ۱ غزل ۰/۲۴٪ غزل ها را دارد که درصد بسیار کمی است .

چرا ز روی لطافت بدین غریب نسازی که بس غریب نباشد ز مه غریب نوازی

(غزل ۳۸۸ ، ۱۰۳۱)

۸- بحر سریع

«سریع را از بهر آن سریع خوانند کی بناء آن بر دو سبب و وتدی است و انشاء اسباب

مفرده علی الخصوص کی با اوتاد مفروضه باشند اقتضاء سرعت کند و سبک در لفظ

درآید.» (شمس قیس : ۱۳۶۰ ، ۷۲) «بحر سریع از اصل مستفعلن مستفعلن مفعولات و

ساخته می شود. (ماهیار، ۱۳۸۲: ۱۱۰)

این بحر جزء اوزان خیزایی محسوب می شود و با تعداد ۸ غزل ۱/۹۶٪ غزل سنایی را پر می کند که میزان کاربرد این وزن برابر با میزان کاربرد مجتث است و فقط در قالب بحر سریع مسدس مطوی مکشوف (موقوف) آمده است.

۸-۱- سریع مسدس مطوی مکشوف (موقوف): مفتعلن مفتعلن فاعلن (فاعلان)

دلبر من عین کمالست و بس چهره ی او اصل جمالست و بس

(غزل ۱۷۵ ص ۹۰۰)

سینه مکن گرچه سمن سینه ای زآنکه نه مهری که همه کینه ای

(غزل ۳۶۴ ص ۱۰۱۵)

۹- بحر متقارب

«مقارب را از بهر آن مقارب خوانند کی اوتاد و اسباب آن بهم نزدیک اند.» (شمس قیس ، ۱۳۶۰ : ۷۵) «بحر مقارب از تکرار چهار بار فعولن به دست می آید.» (ماهیار، ۱۳۸۲: ۱۱۸)

مقارب از اوزان خیزایی است، در این وزن، بسیار کم کاربرد وزن غزل های سنایی ۳، غزل سروده شده است و معادل ۰/۷۳٪ غزل هاست. دلیل کاربرد پائین وزن این است که وزن برای سرودن مضامین مورد نظر سنایی که نیاز به اوزان ملایم و سنگین دارد، مناسب نیست و آزادی بیان و عرصه‌ی گسترده‌ای را که سنایی نیاز دارد تا با آن مضامین و اندیشه های عارفانه ی خود را بیان کند، از او می‌گیرد.

۹-۱- مقارب مثنیٰ سالم : فعولن فعولن فعولن فعولن

در این وزن ۲ غزل سروده شده که برابر ۰/۴۹٪ غزل سنایی است.

به دردم به دردم که اندیشه دارم کز آن یاسمین بر تهی شد کنارم

(غزل ۲۲۰ ص ۹۲۷)

به درگاه عشقت چه نامی چه ننگی به نزد جلالت چه شاهی چه سنگی

(غزل ۳۹۲ ص ۱۰۳۳)

۹-۲- مقارب مثنیٰ محذوف: فعولن فعولن فعولن فعل

در این وزن ۱ غزل سروده شده که برابر ۰/۲۴٪ غزل هاست.

چون حسنت ای خوش پسر
یکی از سر لطف بر ما نگر
(غزل ۱۵۷ ص ۸۹۰)

اوزان دوری

وزن دوری که در واقع از تکرار نیم مصراع حاصل می‌شود، وزنی پویا و پرحرکت است؛ با دانستن وزن نیم‌مصراع، وزن کامل بیت را می‌توان با تکرار نیم مصراع اول بدست آورد. «وزن دوری به وزن مصراعی گفته می‌شود که بتوان خود آن مصراع را مرکب از دو نیم مصراع (- پاره) متساوی پنداشت. هر یک از این پاره‌ها دو رکن مختلف دارد که عیناً در پاره ی دوم تکرار می‌شود. در وزن دوری غالباً کلام در پایان پاره (یعنی بارکن دوم) تمام می‌شود به هر حال در وسط مصراع مکث می‌کنیم.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۰)

وزن دوری به شاعر این امکان را می‌دهد که موسیقی شعر را به حداکثر امکان برساند. با مکثی که در پایان هر نیم مصراع اتفاق می‌افتد و دادن این امکان به شاعر که در پایان هر نیم مصراع از قافیه استفاده کند، خود پایه ی مثبتی است که وزن دوری امکانش را به شاعر می‌دهد، علاوه بر قافیه، شاعر با استفاده از ردیف دوری می‌تواند موسیقی را به اندازه ی بیشتری بالا ببرد و به اوج خود برساند. با عادت کردن ذهن به ریتم خاص حاصل از تکرار وزنی خاص، لذت و شغف خاصی به شنونده القا می‌شود.

تعداد وزن های دوری در میان غزل های سنایی به ۲۹ وزن می رسد که ۷/۱۲٪ غزل های سنایی را شامل می شود. اوزان دوری در غزل های سنایی در قالب چهار وزن آمده اند. - منسرح مطوی مکشوف (موقوف): مفتعلن فاعلن (فاعلان) || مفتعلن فاعلن (فاعلان) که تعداد ۱۱ غزل در این وزن آمده است.

بنده ی یکدل منم بنده قبای ترا
چاکر یکتا منم زلف دو تای ترا
(غزل ۳ ص ۷۹۱)

خواجه سلام علیک آن لب چون نوش بین توشه ی جانها در آن گوشه ی شب پوش
بین (غزل ۳۲۱ ص ۹۹۰) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲- هزج مثنیٰ اُخرب: مفعولُ مفاعیلن || مفعولُ مفاعیلن.

تعداد غزل در این وزن ۱۰ غزل است.

ماهی که ز رخسارش فتنه است بچین اندر وز طره‌ی طرّارش رخنه است بدین اندر
(غزل ۱۵۶ ص ۸۹۰)
ای چون تو ندیده جم آخرچه جمالت این وی چون تو به عالم کم آخرچه کمالت این
(غزل ۳۱۹ ص ۹۸۸)

۳- مضارع مثنیٰ اُخرب: مفعولُ فاعلا تن || مفعولُ فاعلا تن

دراین بحر ۸ غزل سروده شده است.

آن حورروح وش را بر عقل عرضه کردم و آن شربها که دادی بر یاد تو بخور دم
(غزل ۲۱۷ ص ۹۲۵)
جانا نگوئی آخر ما را که تو کجایی کز تو ببرد آتش عشق تو آب مائی
(غزل ۳۶۶ ص ۱۰۱۶)

۴- مجتث مثنیٰ مخبون: مفاعِلن فاعلا تن || مفاعِلن فاعلا تن

دراین وزن ۱ غزل سروده شده است

چرا ز روی لطافت بدین غریب نسازی که بس غریب نباشد ز مه غریب نوازی
(غزل ۳۸۸ ص ۱۰۳۱)
ذوبحرین «اشعار ذوبحرین که در بدیع تحت عنوان متلّون مطرح می شود، اشعاری است که بتوان آن ها را به دو وزن (و در بعضی موارد به چند وزن) خواند. این امکان از آنجا به وجود می آید که کلمات شعر دارای ظرفیت اعمال ضرورات وزنی است:
۱- بلند شدن مصوّت کوتاه در آخر کلمه ۲- کوتاه شدن مصوّت بلند آخر کلمه پیش از مصوّت دیگر ۳- حذف نکردن همزه.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۶۸)
درمیان غزل های سنایی نیز ابیاتی که در دو وزن سروده شده باشند، به چشم می خورد که می توان آن ابیات را به دو وزن و ریتم خواند، به عنوان مثال در غزل ۳۲ از غزلیات سنایی بیت اول و چهارم دارای دو وزن سریع مسدّس مطوی مکشوف (موقوف) و رمل مسدّس مخدوف (مقصور) وجود دارد:
روح من اندر گل و ریحان تست هوش من اندر در و مرجان تست...
ای لب و دندان تو لعل و گهر راحت جان آن لب و دندان تست
(غزل ۳۲ ص ۸۰۹)

سایر ابیات این غزل در وزن سریع مسدس مطوی مکشوف (موقوف) سروده شده اند. شمیسا در آشنایی با عروض و قافیه‌ی خود چنین می‌گوید: «دو وزن سریع و رمل بیش از اوزان دیگر به هم تبدیل می‌شود.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۶۸)

در جای دیگر سنایی غزلی دارد که یکی از ابیات آن ذو بحرین است و بقیه‌ی غزل در بحر سریع مطوی مکشوف (موقوف) سروده شده است و این یک بیت علاوه بر بحر سریع مطوی مکشوف (موقوف) در بحر رمل مسدس مخدوف (مقصور) نیز آمده است.

ای همه معنی شده از لطف محض دعوی عشق تو از دعوی گذشت...
(غزل ۷۱ ص ۸۳۴)

استفاده از دو ریتم و موسیقی در یک بیت باعث زیبایی و لذت ادبی خواننده می‌شود و بر غنای موسیقایی ابیات می‌افزاید و دقت و ذوق خواننده را می‌طلبد تا با دریافتن این اوزان به لذت ادبی برسد.

اختیارات و ضرورات شاعری در غزل های سنایی

همان‌طور که از کلمه «اختیار» مشخص است، یعنی چیزی که در آن شاعر مختار است که طبق اصول وقواعد تعیین شده یک راه را از دوراه انتخاب کند. «این است که شاعر از دو صورت ممکن هر کدام را که به کاربرد، شعر صحیح باشد و در وزن خللی وارد نگیرد، به عبارت دیگر استعمال هر یک از آن دو وجه مجاز می‌باشد، اما باید توجه داشت که فقط یکی از آن دو صورت اصل است.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۵۲)

این اختیارات به دودسته تقسیم می‌شوند ۱- اختیارات زبانی ۲- اختیارات وزنی

۱- اختیارات زبانی یا همان ضرورات شاعری «تغییراتی است که به مقتضای وزن در کمیت هجاها ایجاد می‌شود.» (همان: ۵۶)

۱- امکان حذف همزه

«در فارسی اگر قبل از همزه‌ی آغاز هجا حرف صامتی بیاید همزه را می‌توان حذف کرد.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۰: ۱۲)

کار تو پیوسته آزار است گویی نیست هست / زین سبب کار دلم زار است گویی نیست هست

(۵۰ ص ۸۲۱)

همی بر آرد مشکین خطش سراز گلزار / چو نیم دایره دو زلف دایره کردار

(غزل ۱۴۹ ص ۸۸۵)

همواره جفا کردن تا کی بود ای دلبر پیوسته بلا کردن تا کی بود ای دلبر
(غزل ۱۶۷ ص ۸۹۶)

۲- تغییر کمیت مصوت ها

الف) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه:

ای من غلام روی توتا در تنم باشد نفس درمان من درد تست آخر مرا فریاد رس
(غزل ۱۷۸ ص ۹۰۳)

در این بیت هجای کوتاه «تو» به هجای بلند تبدیل شده است تا وزن درست شود.

از عشق تونه بخوشم ایجان کز نیش تو است نوشم ایجان
(غزل ۲۷۸ ص ۹۶۲)

در این بیت کلمه ی «نه» که هجای کوتاه است، به هجای بلند تبدیل می شود و این جزء موارد نادر است و «نه» تنها فتحه ای است که بلند تلفظ می شود.

تو آفت عقل و جان و دینی تو رشک پری و حور عینی
(غزل ۳۹۹ ص ۱۰۳۹)

در این بیت هجای کوتاه تو به هجای بلند تبدیل می گردد.

ب) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

آخر شر می بدار چند از این بدخویی چون تو من و من توام چند منی و تویی
(غزل ۳۷۲ ص ۱۰۲۰)

در این بیت هجای بلند «خو» هجای کوتاه محسوب می شود.

دعوی دین می کنی با نفس دمسازی مکن سینه ی گنجشک جوئی دعوی بازی مکن
(غزل ۳۱۳ ص ۹۸۵)

در این بیت هجای بلند «وی» هجای کوتاه تلفظ می شود، در هر دو مصراع چنین است.

۳- تشدید حرف مخفف: بنا به ضرورت وزن کلمه ای که بدون تشدید تلفظ می شود،

مشدد تلفظ می کنیم تا وزن اشباع شود.

عشق هم عاشقست و هم معشوق عشق دو رویه نیست یکرؤیست
(غزل ۵۴ ص ۸۲۳)

دوش از پیاله‌ای که ثریاش بنده بود صافی می در و چو سهیل و شهاب شد
(غزل ۱۰۹ ص ۸۵۷)

ای بت سنگدل سیم تنک دلبر خوشک شیرین سخنک
(غزل ۲۰۴ ص ۹۱۸)

ما رخت غریبانه زکوی توکشیدیم ما ندیم بتوآن همه کشی و چمیدن
(غزل ۲۸۷ ص ۹۶۸)

۴- تخفیف حرف مشدد:

در این ضرورت، درجایی که حرف همیشه با تشدید تلفظ می‌شده، مخفف تلفظ می‌کنند تا در چارچوب وزن قرار بگیرد.

بازار بکشتی عاجزی، بنمای از لب معجزی چون از عزی نبود عزی لارا بزن بر روی لات
(غزل ۲۲ ص ۸۰۳)

کلمه ی «عزی» با تشدید «ز» تلفظ می‌شود اما در این غزل بنا بر ضرورت با «ز» مخفف خوانده می‌شود.

جهان از تو خرم بادا بتا ومن رهی بنده پس از مرگم جهان بر تو مبارک باد و فرخنده
(غزل ۳۵۴ ص ۱۰۱۰)

خرم با تخفیف «ر» خوانده می‌شود.

۲- اختیارات وزنی

استفاده از تغییرات خاصی در هجاها به طرز نامحسوسی که وزن شعر در چارچوب باشد و درست از کار در بیاید این اختیار همچون اختیار زبانی مربوط به تلفظ واژه نیست، بلکه در بین هجاها بررسی می‌شود و اتفاق می‌افتد.

۱- «شاعر مختار است به جای دوهجای کوتاه، یک هجای بلند بیاورد این اختیار که در اصطلاح به آن «تسکین» گویند جز در آغاز مصراع در همه جا قابل اعمال است.» (شمیسا: ۱۳۸۱، ۵۴)

غمخانه برگزید و ره عشق و گم‌رهی هر روز می برآرد نوعی دگرز جیب
(غزل ۲۰ ص ۸۰۲)

اختیار تسکین در مصراع دوم اتفاق افتاده در پایان رکن دوم که بجای دوهجای کوتاه یک

هجای بلند آمده است:

ای پردرگوش من زچنگت وی پرگل چشم من زرنگت
(غزل ۴۱ ص ۸۱۵)

اختیار تسکین در رکن اول هر دو مصراع اتفاق افتاده است.
بر روی رقم شد شرری کزدل و جان تافت وز دیده برون آید دردی که نهان بود
(غزل ۱۲۷ ص ۸۶۹)

اختیار تسکین در پایان رکن دوم مصراع دوم صورت گرفته است.
هر گه که خدمت آیم ای دوست پیش تو شادی حلال گردد اندوه و غم حرام
(غزل ۲۵۸ ص ۹۲۰)

اختیار تسکین در رکن دوم هر دو مصراع می باشد.
روکه در این راه توتر دامنی گوئی در آب روان چینه ای
(غزل ۳۶۴ ص ۱۰۱۵)

اختیار تسکین در رکن اول مصراع دوم به وقوع پیوسته است.
اختیار تسکین به وفور در سراسر غزل ها دیده می شود و اختیاری پر کاربرد در بین غزل های سنایی است که تمامی مثال های مربوط به آن خود حجم عظیمی خواهد شد.

۲- آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن

این یکی از اختیارات وزنی است که شاعر در رکن اول به جای "فعلاتن" "فاعلاتن" آورده است.

این چه رنگست بر اینگونه که آمیخته ای این چه شورا است که ناگاه برانگیخته ای
(غزل ۳۶۳ ص ۱۰۱۵)

وزن این بیت «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» است.
چاک زد جان به در دست صبا دامن گل خیز تا هر دو خرامیم پیرامن گل
(غزل ۲۰۶ ص ۹۱۹)

این بیت نیز بر وزن «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» سروده شده است. نمونه های دیگر از این اختیار شاعری را ملاحظه فرمایید.

صنما تا بزیم بنده ی دیدار توام به تن و جان و دل و دیده خریدار توام
(غزل ۲۱۲ ص ۹۲۲)

من که باشم که به تن رخت وفای تو کشم دیده حمّال کنم بار جفای تو کشم
(غزل ۲۳۰ ص ۹۳۳)

خنده گریند همی لاف زبان بردرتو گریه خندد همی سوختگان در بر تو
(غزل ۳۳۱ ص ۹۹۷)

صنما چپود اگر بوسگکی وام دهی نه بر آشوبی هر ساعت و دشنام دهی
(غزل ۴۰۵ ص ۱۰۴۴)

اشکال های وزنی درغزل های سنایی غزنوی

در بین غزل های سنایی به ابیاتی برمی خوریم که آنها را نمی توان در قالب هیچ وزنی خواند و این اشکال های وزنی در بین غزل های او به وفور دیده می شود با ملاحظه ی این ایرادها و نیز ایرادهایی در بخش قافیه ی غزل های سنایی می توان به این نتیجه دست یافت که این بی توجهی او به صورت شعر حاکی از این است که او برای بیان اندیشه هایش در بند وزن و قافیه نبوده است و معنی را بیش تر از صورت اهمیت می داده است و البته از ارزش شعر و شاعری سنایی نمی کاهد؛ تنها این نکته را روشن می کند که در ذهن او اصالت با معنی است.

درغزل ۷ با مطلع

جادوان خدمت کنند آن چشم رنگ آمیز را زنگیان سجده برند آن زلف جان آویز را
و وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن: رمل مَثْمَن مخدوف، بیت ۱۰ مصراع دوم دارای اشکال وزنی است.

گرسنایی راه اشک خویشتن درکوی تو می دهد شرم از وی او عالم نیز را
(غزل ۷ ص ۷۹۳)

درغزل ۳۸ با مطلع

هر زمان از عشق جانانم وفائی دیگر است گرچه او را هر نفس بر من جفائی دیگر است
و با وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلن): رمل مَثْمَن مخدوف (مقصور)، بیت سوم مصراع اول دارای ایراد وزنی است.

ارکه دل او را بری لب خوش دارد او چون عافی لیک چشمش درجهان سوزی بلائی دیگر است
(غزل ۳۸ ص ۸۱۳)

درغزل ۴۸ با مطلع

دارم سرخاک پایت ای دوست آیم به در سرایت ای دوست

با وزن مفعول مفاعلهن فاعولن (فاعیل): هزج مسدّس اُحرب مقبوض مخدوف (مقصور)
در بیت ۷ مصراع اول دچار ایراد وزنی است.

سجده ی تست سنائی تو تازان شده در قفایت ای دوست.

(غزل ۴۸ ص ۸۲۰)

در جایی دیگر با مطلع

هر که را درد بی نهایت نیست عشق را پس بر او عنایت نیست
و با وزن فاعلاتن مفاعلهن فع لن (فع لان). خفیف مسدّس مخبون اصلم (اصلم مسبّغ) در
بیت ۸ مصراع دوّم ایراد وزنی دارد.

عشق زیر لطیفه‌ی غیبی است آن است ازو حکایت نیست.

(غزل ۶۰ ص ۸۲۷)

در غزل ۷۱ با مطلع

کبر تو از عالم کبری گذشت فتنه شدن در توز فتوی گذشت
با وزن مفتعلن مفتعلن فاعلهن (فاعلان): سریع مطوی مکشوف (موقوف)، بیت چهارم
مصراع دوّم ایراد وزنی دارد.

بس که ز بس جستن دل دوستی دل رکین ما شد و ز دنیی گذشت

(غزل ۷۱ ص ۸۳۴)

در غزلی با مطلع

بی تو ای آرام جانم زندگانی چون کنم چون تو پیش من نباشی شادمانی چون کنم
با وزن : فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن : رمل مضمن مخدوف ، در بیت ۹ مصراع دوم ایراد
وزنی وجود دارد.

طراقت یک ساعته هجران نمی دارد دلم بار قدر فراق و ماه دل چون کنم.

(غزل ۲۴۵ ص ۹۴۱)

در غزل ۲۷۹ با مطلع

سنائی را یکی برهان ز نام و ننگ جان ای جان ز عشق دانه‌ی دو جهان میان دام جان ای جان
و با وزن مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن : هزج مسدّس سالم ، در بیت ۸ مصراع اول
دارای ایراد وزنی است.

کسی کوعاشق تو بود بگو آخر که تا چکند سماع و می و نقل عقل و خمر خام جان ای جان

(غزل ۲۷۹ ص ۹۶۳)

۰/۷۳	۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن	رمل مَثْمَن مَخْبُونِ اصْلَم	
۰/۴۹	۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان	رمل مَثْمَن مَخْبُونِ مَقْصُور	
۰/۲۴	۱	فاعلاتن فاعلاتن فعْلن	رمل مَسْدَس مَخْبُونِ مَحْذُوف	
۰/۲۴	۱	فاعلاتن فاعلاتن فع لن	رمل مَسْدَس مَخْبُونِ اصْلَم	
۰/۲۴	۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لان	رمل مَثْمَن مَخْبُونِ اصْلَمِ مَسْبِغ	
۷/۳۷	۳۰	مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعولن	هزج مَثْمَن اِخْرَب مَكْفُوف مَحْذُوف	
۵/۴	۲۲	مفعولُ مفاعِلن مفاعیل	هزج مَسْدَس اِخْرَب مَقْبُوض مَقْصُور	
۷/۱۲	۲۹	مفعولُ مفاعِلن فَعولن	هزج مَسْدَس اِخْرَب مَقْبُوض مَحْذُوف	
۵/۸۹	۲۴	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مَثْمَن سَالم	
۳/۹۳	۱۶	مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیل	هزج مَثْمَن اِخْرَب مَكْفُوف مَقْصُور	۲
۳/۱۹	۱۳	مفاعیلن مفاعیلن فَعولن	هزج مَسْدَس مَحْذُوف	
۲/۴۵	۱۰	مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن	هزج مَثْمَن اِخْرَب	
۱/۲۲	۵	مفعولُ مفاعِلن مفاعیلن	هزج مَسْدَس اِخْرَب مَقْبُوض صَحیح عروض و ضرب	
۰/۴۹	۲	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل	هزج مَسْدَس مَقْصُور	
۲/۹۴	۱۲	فاعلاتن مفاعِلن فع لن	خفیف مَسْدَس مَخْبُونِ اصْلَم	
۱/۲۲	۵	فاعلاتن مفاعِلن فع لان	خفیف مَسْدَس مَخْبُونِ اصْلَمِ مَسْبِغ	
۲/۲۱	۹	فاعلاتن مفاعِلن فعْلن	خفیف مَسْدَس مَخْبُونِ مَحْذُوف	۳
۰/۷۳	۳	فاعلاتن مفاعِلن فَعولن	خفیف مَسْدَس مَخْبُونِ مَقْصُور	
۰/۲۴	۱	فاعلاتن مفاعِلن فاعلاتن	خفیف مَسْدَس مَخْبُونِ	
۱/۹۶	۸	مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلاتن	مضارع مَثْمَن اِخْرَب	
۱/۹۶	۸	مفعولُ فاعلاتن مفاعیلُ فاعلان	مضارع مَثْمَن اِخْرَب مَكْفُوف مَقْصُور	۴
۱/۹۶	۸	مفعولُ فاعلاتن مفاعیلُ فاعلان	مضارع مَثْمَن اِخْرَب مَكْفُوف مَحْذُوف	
۱/۴۷	۶	مفتعلن فاعِلن مفتعلن فاعِلن	منسرح مَثْمَن مَطْوِی مَكْشُوف	
۱/۲۲	۵	مفتعلن فاعِلن مفتعلن فاعِلن	منسرح مَثْمَن مَطْوِی مَوْقُوف	۵
۰/۴۹	۲	مفتعلن فاعِلن مفاعِلن فاع	منسرح مَثْمَن مَطْوِی مَجْدُوع	
۰/۲۴	۱	مفتعلن فاعِلن مفاعِلن فع	منسرح مَثْمَن مَطْوِی مَنحُور	
۲/۴۵	۱۰	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مَثْمَن سَالم	۶
۰/۹۸	۴	مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فعْلن	مجتث مَثْمَن مَخْبُونِ مَحْذُوف	۷
۰/۷۳	۳	مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فع لان	مجتث مَثْمَن مَخْبُونِ اصْلَمِ مَسْبِغ	

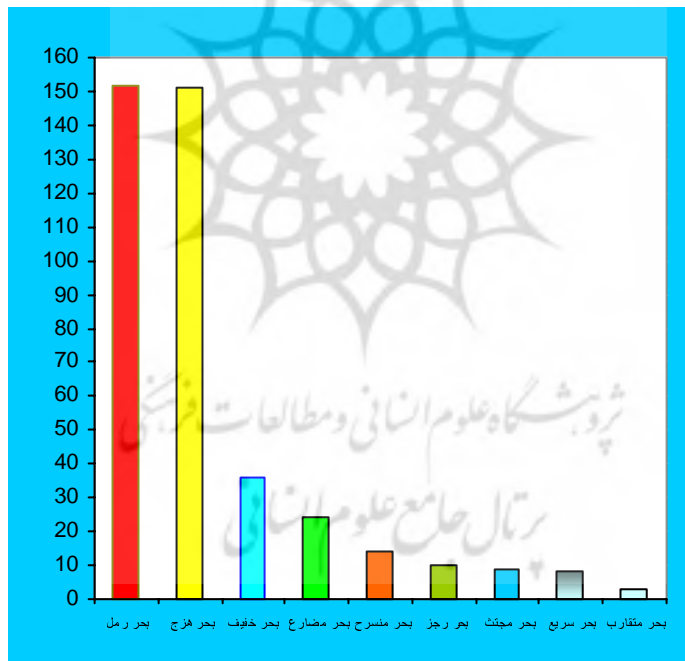
۰/۲۴	۱	مفاعِلن فَعَلاتِن مفاعِلن فَع لِن	مَجْتَثْ مَثْمَن مَخْبُونِ اصْلَم
۰/۲۴	۱	مفاعِلن فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلاتِن	مَجْتَثْ مَثْمَن مَخْبُونِ
۱/۲۲	۵	مَفْتَعَلِن مَفْتَعَلِن فاعِلان	سَریع مَسَدَسْ مَطوٰی مَوْقُوف
۰/۷۳	۳	مَفْتَعَلِن مَفْتَعَلِن فاعِلن	سَریع مَسَدَسْ مَطوٰی مَكشُوف
۰/۴۹	۲	فَعولِن فَعولِن فَعولِن فَعولِن	مَتقارِب مَثْمَن سَالم
۰/۲۴	۱	فَعولِن فَعولِن فَعولِن فَعولِن	مَتقارِب مَثْمَن مَحذُوف
۱۰۰	۴۰۷		جَمع

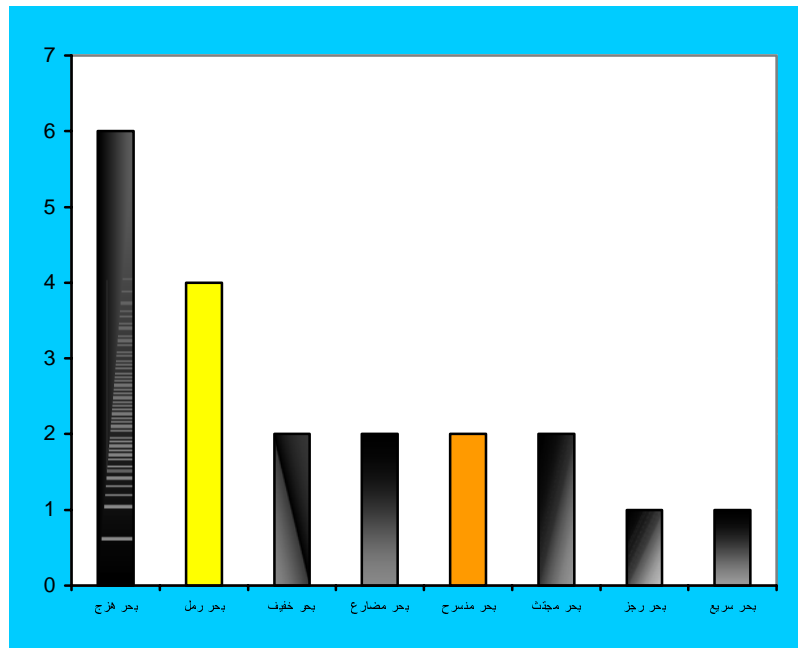
جدول وزن های به کاررفته در غزل های سنایی براساس عروض جدید (علمی)

درصد فراوانی	تعداد غزل	وزن	نام بحر	شماره
۲۵/۷۹	۱۰۵	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان)	رمل مَثْمَن مَحذُوف (مَقْصُور)	۱
۷/۸۶	۳۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان)	رمل مَسَدَسْ مَحذُوف (مَقْصُور)	
۳/۱۹	۱۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان) فَع لِن، فَع لَان	رمل مَثْمَن مَخْبُونِ مَحذُوف (مَقْصُور)، اصْلَم، اصْلَم مَسَبِّح	
۰/۴۹	۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فَع لِن)	رمل مَسَدَسْ مَخْبُونِ مَحذُوف (اصْلَم)	
۱۲/۵۳	۵۱	مَفْعولُ مفاعِلن فَعولِن (مفاعیل)	هَرج مَسَدَسْ اِخْرَب مَقْبُوض مَحذُوف (مَقْصُور)	
۱۱/۳	۴۶	مَفْعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعولِن (مفاعیل)	هَرج مَثْمَن اِخْرَب مَكفُوف مَحذُوف (مَقْصُور)	
۵/۸۹	۲۴	مفاعیلِن مفاعیلِن مفاعیلِن مفاعیلِن	هَرج مَثْمَن سَالم	
۳/۶۸	۱۵	مفاعیلِن مفاعیلِن فَعولِن (مفاعیل)	هَرج مَسَدَسْ مَحذُوف (مَقْصُور)	
۲/۴۵	۱۰	مَفْعولُ مفاعیلِن مَفْعولُ مفاعیلِن	هَرج مَثْمَن اِخْرَب	
۱/۲۲	۵	مَفْعولُ مفاعِلن مفاعیلِن	هَرج مَسَدَسْ اِخْرَب مَقْبُوض صَحیح عَرُوض و ضَرَب	
۸/۵۹	۳۵	فاعلاتن مفاعِلن فَعولِن (فاعلان، فَع لِن، فَع لَان)	خَفیف مَسَدَسْ مَخْبُونِ مَحذُوف (مَقْصُور، اصْلَم، اصْلَم مَسَبِّح)	۳
۰/۲۴	۱	فاعلاتن مفاعِلن فَعَلاتِن	خَفیف مَسَدَسْ مَخْبُونِ	
۳/۹۳	۱۶	مَفْعولُ فاعِلاتُ مفاعیلُ فاعِلن (فاعلان)	مَضارِع مَثْمَن اِخْرَب مَكفُوف مَحذُوف (مَقْصُور)	۴

۱/۹۶	۸	مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلاتن	مضارع مَثْمَن اُخرب
۲/۷	۱۱	مفتعلن فاعلن (فاعلان) مفتعلن فاعلن (فاعلان)	منسرح مَثْمَن مطوی مکشوف (موقوف)
۰/۷۳	۳	مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع (فاع)	منسرح مَثْمَن مطوی منحور(مجدوع)
۲/۴۵	۱۰	مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مَثْمَن سالم
۱/۹۶	۸	مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فعلن (فاعلان، فع لن، فع لان)	مجثت مَثْمَن مخبون محذوف (مقصور، اصلم، اصلم مسبغ)
۰/۲۴	۱	مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فاعلاتن	۸ مجثت مَثْمَن مخبون
۱/۹۶	۸	مفتعلن مفتعلن فاعلن (فاعلان)	سریع مسدس مطوی مکشوف (موقوف)
۰/۴۹	۲	فعولن فعولن فعولن فعولن	۹ متقارب مَثْمَن سالم
۰/۲۴	۱	فعولن فعولن فعولن فعل (فعول)	متقارب مَثْمَن محذوف (مقصور)
۱۰۰	۴۰۷		جمع

نمودار بحرهای به کار رفته در غزلهای سنایی غزنوی





نمودار اوزان غزل های سنایی غزنوی

نتیجه

با دقت در موسیقی بیرونی غزل های سنایی غزنوی می توان به این نکته پی برد که این شاعر گرانقدر با توجه به موضوعاتی که در شعرش آورده، بیشتر از اوزان جویباری استفاده کرده است. موضوعاتی چون سیر و سلوک، ترک تعلقات دنیوی عرفان و امثال آن نیاز به اوزانی نرم و ملایم دارند. این مضامین نیاز به عرصه و قالب وسیعی دارند، استفاده از هجاهای بلند و طولانی این فرصت را به شاعر می دهد تا با تأمل و تأنی بیشتری به بیان آزادانه ای افکارش بپردازد. در مقابل اوزان خیزایی که برای سرودن منظومه های بزمی و حماسی و امثال آن سودمند می باشند، در میان وزن های غزل های سنایی بیشترین درصد مربوط به وزن رمل است که در کنار بحر هزج با اندک اختلافی در صدر نشست است. اشتباهات وزنی در غزل های سنایی به چشم می خورد که ناشی از توجه او به جان و معنای کلام است تا وزن و ظاهر ابیات؛ او شاعری عارف است و این مسئله باعث می شود او معنی را فدای صورت ننماید.

منابع

- ۱- براون ، ادوارد، (۱۳۵۷) ، تاریخ ادبیات از سنائی تا عطار . چاپ دوم . تهران : مروارید .
- ۲- رازی، شمس الدین محمد بن قیس، (۱۳۶۰) ، المعجم فی معاییر اشعار العجم . به تصحیح مدرس رضوی . چاپ سوم . تهران : کتابفروشی زوآر .
- ۳- سنایی غزنوی ، ابوالمجد محدود بن آدم، (۱۳۴۸) ، دیوان . به اهتمام مدرس رضوی . تهران : دانشگاه تهران .
- ۴- شفیعی کدکنی ، محمد رضا، (۱۳۸۷) ، تازیانه های سلوک . چاپ هشتم . تهران : آگاه .
- ۵- _____ (۱۳۸۶) ، موسیقی شعر . چاپ دهم . تهران : آگاه .
- ۶- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱) ، آشنایی با عروض و قافیه . چاپ هجدهم . تهران : فردوس .
- ۷- _____ (۱۳۶۲) ، سیرغزل در شعر فارسی . چاپ سوم . تهران : فردوس .
- ۸- _____ (۱۳۷۵) ، فرهنگ عروضی . چاپ سوم . تهران : فردوس .
- ۹- صفا ، ذبیح الله، (۱۳۷۵) ، تاریخ ادبیات ایران . چاپ دوم . تهران : تهران .
- ۱۰- طوسی ، خواجه نصیرالدین، (۱۳۶۹) ، معیار الاشعار . به تصحیح جلیل تجلیل . چاپ اول . تهران : جامی و ناهید .
- ۱۱- ماهیار، عباس، (۱۳۸۲) ، عروض فارسی . چاپ دوم . تهران : قطره .
- ۱۲- ناتل خانلری ، پرویز، (۱۳۵۴) ، وزن شعر فارسی . چاپ سوم . تهران : بنیاد فرهنگ ایران .
- ۱۳- نجفقلی میرزا، (۱۳۶۲) ، درّه ی نجفی . به کوشش حسین آهی . تهران : فروغی .
- ۱۴- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۶۷) ، وزن و قافیه ی شعر فارسی . چاپ اول . تهران : مرکز نشر دانشگاهی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی